

واکاوی چالش‌ها و موانع اصلی بازدارنده پژوهندگی معلمان در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی: مطالعه پدیدارشناسی^۱

سید هادی مدنی*، سهراب محمدی پویا**، سید طاهر سیدی نظرلو***،
احد عظیمی آقبلاغ****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه چالش‌ها و موانع اصلی بازدارنده پژوهندگی در میان معلمان استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است. این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌مندی از روش پدیدارشناسی انجام شده است. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند از نوع ملاک‌محور بوده و تعداد ۲۰ نفر از معلمان در پژوهش شرکت کردند. روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و روش تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده، روش تحلیل مضمون بود. در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش شاخص‌های باورپذیری، قابلیت اطمینان، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های پژوهش منجر به شکل‌گیری ۲۵ مقوله فرعی در ذیل ۳ مقوله اصلی تفکر و دانش، نگرش و انگیزش و رفتار و عمل گردید. مقوله اصلی تفکر و دانش شامل ۵ مقوله فرعی و مقوله اصلی نگرش و انگیزش دارای ۱۱ مقوله فرعی است. مقوله اصلی سوم یعنی عمل و رفتار نیز متشکل از ۹ مقوله فرعی است. ناظر بر یافته‌های پژوهش می‌توان چنین عنوان کرد که اجرای برنامه معلم پژوهنده در آموزش و پرورش بدون رفع محدودیت‌های مذکور، پیشرفت برنامه را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند و در دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده چالش‌هایی به وجود خواهد آورد.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش، پژوهندگی، چالش‌ها، معلمان و موانع

^۱ مقاله حاضر مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت مالی اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی صورت گرفته است.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. madani.duman@gmail.com

** دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

mohammadipouya1393@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. tseyedi.63@gmail.com

**** دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

ahadazimi63@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۴/۵ تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۱/۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۲

مقدمه

اهمیت روزافزون تعلیم و تربیت به جایی رسیده است که امروزه از آن به مثابه یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین فعالیت‌های کنونی جهان یاد می‌شود و تلاش‌های متولیان جامعه و آموزش را در این حوزه بیش از پیش به خود معطوف کرده است (Mohammadipouy, Seyede Nazarlu, Fathi- Azar, & Mahmoodi, 2022). چرا که بدون شک بقای هر جامعه در گرو آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) است. در عین حال برخی از متخصصان بقای جامعه را در گرو عملکرد نظام‌های آموزشی به‌ویژه آموزش رسمی و عمومی می‌دانند و بر این باورند که نظام‌های تربیتی نقش بسزایی در دستیابی حکومت‌ها به تربیت و پرورش افراد هم‌خوان با اهداف و فلسفه‌های آنان دارد (Mohammadipouya, Goodarzi, Rahmati-Najarkolaei, & Sanaeinasab, 2017: 462). حتی عنوان می‌شود که بخش عمده‌ای از توانمندی و دستاوردهای کشورهای توسعه‌یافته، حاصل نظام آموزشی اثربخش است (Askari, Elahimanesh, & Parizad, 2019: 114). معلمان یکی از اصلی‌ترین عناصر این مهم به شمار می‌روند.

توجه روزافزون به جایگاه معلم حاصل نقش بی‌بدیل او در عرصه آموزش است و متفکران در طول تاریخ هیچ‌گاه نتوانسته‌اند از نقش معلم به‌راحتی بگذرند و در نظریات خود از جایگاه مهم معلم همواره سخن به میان آورده‌اند. به عبارتی این حساسیت نشان می‌دهد صاحب‌نظران و متخصصان بر این باورند که در آرمان‌های متصور برای نظام‌های تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم، معلم به‌عنوان تکیه‌گاه هر تغییر و تحولی است (Vahedi Kojanagh, Karimi, Rezaei, & Esmail Pour, 2018). البته پرواضح است که هر معلمی نمی‌تواند تکیه‌گاه تغییر و تحول باشد، معلمانی می‌توانند به تحول بیاندیشند که خود از توانمندی مطلوبی برخوردار باشند. زیرا بر اساس پژوهش‌های (Chetty, Friedman, & Rockoffe, 2013; Darling-Hammond, 2000; Hattie, 2003) می‌توان بیان کرد که مهم‌ترین عامل در موفقیت دانش‌آموز، معلم است. چرا که ارتباط میان یادگیری فراگیران و کیفیت تدریس معلمان یک رابطه مشخص است و شکی نیست که معلم ضعیف می‌تواند تأثیر معنی‌داری بر کاهش انگیزه یادگیرندگان داشته و زندگی تحصیلی آنان را تحت‌الشعاع قرار دهد (Torkzadeh et al., 2021). توانمندی‌ها و قابلیت‌های معلمان عنصری است که به کلاس درس و فعالیت‌ها و تحولات آن روح و هویت می‌بخشد (Vaghoor Kashani, Haji Hossein Nezhad, Mousapour, & Ebrahimpour, 2019). بر این اساس برخورداری معلمان از شایستگی‌های مورد نیاز موضوعی است که در نظام‌های آموزشی دنیا به‌شدت دنبال می‌شود. به‌طوری که نظام‌های آموزشی در سنجش

صلاحیت و شایستگی افراد برای حضور و اشتغال در حرفه معلمی بسیار اهتمام می‌ورزند تا بهترین نیروها را جذب کنند. حتی بعد از جذب افراد نیز همواره به دنبال گسترش شایستگی‌های آنان هستند.

هر چند نتایج پژوهش‌ها بر فقدان کاربست یافته‌های پژوهشی در سازمان‌ها و فراهم شدن زمینه‌های دل‌سردی پژوهشگران آثار در کشور دلالت دارد (Alizadeh Aghdam, 2014)، اما بی‌تردید در دنیای امروز دانش‌آموزان جهت ورود به عصر دانایی و روبه‌رو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست‌ویکم باید به‌طور فزاینده‌ای مهارت‌های پژوهش و حل مسئله، روحیه جست‌وجوگری و مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق را برای تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده در خود تقویت کنند. این موضوع در سایه‌سار مهارت‌های تفکر و یادگیری از طریق روش‌های یاددهی - یادگیری مبتنی بر پژوهش یا حل مسئله ضروری به نظر می‌رسد (Ghaziardakani, Maleki, Sadeghi, & Dortaj, 2018). به‌عبارتی می‌توان اذعان داشت نظام آموزش و پرورش، اساسی‌ترین نهادی است که در شکل‌گیری چنین ویژگی‌هایی نقش کلیدی دارد. در این مسیر انتظار می‌رود بالاترین سرمایه‌گذاری‌ها و کیفی‌ترین برنامه‌ریزی‌ها در نظام آموزشی و پژوهشی یک کشور اجرا شود. چرا که اگر در نظام آموزشی به پژوهش بها داده شود، علم و پژوهش به جامعه راه پیدا می‌کند و پشتوانه‌ای همیشگی در تصمیم‌گیری‌ها خواهد شد، اندیشه‌ها، برخوردها، روش‌های نو، بدیع و خلاق همگی از نظام آموزشی مایه می‌گیرند (Abutalebi, 2020). ناظر بر اهمیت و جایگاه این حوزه، موضوع توجه به فعالیت‌ها و برنامه‌های پژوهشی معلمان در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش کشور مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه در این خصوص چنین بیان شده است:

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جایگاهی ویژه برای پژوهش در نظر گرفته شده است. توسعه ظرفیت پژوهش و نوآوری، استفاده از ظرفیت‌های موجود برای گسترش فرهنگ تفکر و پژوهش در بین مدیران و مربیان و تأمین پژوهشگر مورد نیاز تعلیم و تربیت رسمی عمومی و حمایت از پژوهشگران فعال و مجرب، ایجاد شبکه فعال پژوهشی از جمله ظرفیت‌های موجود در سند تحول بنیادین است (Supreme Council of the Cultural Revolution of Iran, 2013) علاوه بر سند مذکور، در سند برنامه درسی ملی نیز توجه به پژوهش دیده می‌شود. در بخش اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصل ۳-۳ به زمینه تقویت روحیه پرسشگری و پژوهشگری، در بخش رویکردها و جهت‌گیری‌های کلی سند، رویکرد ۶-۲-۴، توجه به معلم به‌عنوان یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر فراهم آوردن زمینه مشارکت معلمان در فعالیت‌های پژوهشی از جمله اقدام پژوهی به‌عنوان یکی از اهداف راهبردی وزارت آموزش و پرورش در امر توسعه گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در بین معلمان است.

از سوی دیگر با توجه به اینکه آموزش و پرورش با انسان سروکار دارد، از مهم‌ترین حوزه‌هایی است که پژوهش در آن لازم است. به طوری که به دلیل پیچیده بودن مسائل مربوط به اندیشه انسان، پژوهش در این زمینه، دارای پیچیدگی‌هایی خاص بوده، دقت زیادی را می‌طلبد. از این رو، به منظور ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت و اثربخشی آموزشی، باید مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم در معلمان تقویت شوند و لازمه این امر، مجهز کردن معلمان به بینش علمی و انجام پژوهش است تا از این رهگذر، به تولید اندیشه اهتمام ورزیده و از این اندیشه در راستای بهبود وضع کلاس درس و مدرسه استفاده لازم را به عمل آورند (Safikhani, Abbasian, Arasteh, & Abdollahi, 2021). موارد مذکور به خوبی نشان می‌دهد که جایگاه پژوهش در بین معلمان - به عنوان اصلی‌ترین عنصر اجرایی اسناد بالادستی - در فرایند تعلیم و تربیت و آموزش مدرسه‌ای بسیار ارزنده است. چرا که به اعتقاد برخی از صاحب نظران پژوهش یک امر فردی و شخصی نیست، بلکه پدیده‌ای جمعی و به معنای دقیق‌تر واقعیتی اجتماعی است. در فرایند پژوهش، اجزا و عناصر عدیده‌ای نظیر موضوع پژوهش، کارفرما، مجری، مدیر پژوهش، پژوهشگر، بودجه و امکانات، نهادها، دستگاه‌ها و تشکیلات پژوهشی در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و نظام پژوهشی یک کشور را به وجود می‌آورند (Abutalebi, 2020) و شاید بتوان عنوان کرد که بدون همراهی و همکاری هر یک از این موارد پژوهش نمی‌تواند به سرمنزل مقصود برسد.

ناظر بر این حساسیت‌ها، آموزش و پرورش طراحی و اجرایی‌سازی برخی از برنامه‌ها را در دستور کار قرار داده است. یکی از برنامه‌های مورد نظر آموزش و پرورش برنامه معلم پژوهنده است. شروع برنامه معلم پژوهنده از سال ۱۳۷۵ بوده است که با نگاهی به آمار وضعیت اجرای این برنامه می‌توان عنوان کرد که با فقدان استقبال و مشارکت مطلوب معلمان روبه‌رو بوده است. به طوری که در سال ۱۳۹۰ به طور متوسط میزان مشارکت در کل کشور ۱ درصد بوده است که نشان از فقدان رغبت و استقبال معلمان از برنامه مذکور دارد (Chaiechi, Gouya, Mortzaei Mehrbani, & Saki, 2006; Namdari Pezhman, Ghanbari, & Mahmoodi, 2014). همچنین از سوی دیگر نیاز معلمان به آموزش پژوهش در سطوح مختلف دوره‌های تحصیلی (Saki, 2013) اهمیت پرداختن به موضوعات این حیطه را بیش از پیش نمایان می‌کند. چرا که در این شرایط می‌تواند استان‌های مختلف به شناسایی و واکاوی علل و موانع عدم استقبال معلمان از برنامه مذکور بپردازند و با دریافت راهکارهای سیاستی نسبت به اشاعه این فرایند اثرگذار در چرخه آموزش و یاددهی - یادگیری قدم مهمی برداشته شود. از این رو در پژوهش حاضر سعی می‌شود قدم‌هایی فراتر از تحلیل وضعیت فقدان مشارکت افراد در برنامه معلم پژوهنده برداشته شود و از طریق شناسایی و تحلیل تجربیات زیسته معلمان، موانع و چالش‌های مربوط به عدم تمایل معلمان در هر یک از ابعاد تفکر، نگرش و انگیزش و همچنین رفتار و عمل پژوهش‌مدار مورد کنکاش و لایه‌کاوی قرار گیرد. چرا

که برنامه معلم پژوهنده یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های عملیاتی است که آموزش و پرورش همواره در سال‌های مختلف آن را دنبال کرده و در واقع آمیختگی پژوهش با فرایند آموزش در سطح کلان‌تر نیز به‌عنوان یکی از زیرنظام‌های برنامه درسی با عنوان زیرنظام پژوهش و ارزشیابی است که از جمله اهداف آن زمینه‌سازی برای تربیت نسلی پژوهنده، پرسشگر، خلاق، نوآور و کارآفرین و البته توسعه فرهنگ پژوهش و روحیه پرسشگری در بین مدیران، کارشناسان، معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها (Secretariat of the Supreme Council of Education, 2017) مطرح شده است و به نظر می‌رسد که معلمان اصلی‌ترین محور دستیابی به اهداف تعیین‌شده در زیرنظام پژوهش و ارزشیابی هستند و البته در بین آحاد مردم جامعه انتظارات از معلمان به مثابه اصلی‌ترین ارکان اساسی اجرای برنامه‌های تعلیم و تربیت بسیار بالاست (Adib, Mohammadipouya, Ghaderi, & Azhdari, 2021). در این شرایط می‌طلبد که با احصاء محدودیت‌های این برنامه در راستای غنی‌سازی آن گام‌هایی برداشت. لذا پیش‌بینی می‌شود که بیان تجربیات زیسته معلمان می‌تواند نسبت به شناسایی لایه‌های پنهان مسائل این حوزه یاری رساند. موضوعی که ممکن است پرداختن به آن با بهره‌مندی از روش‌های کم‌لایه، قابلیت‌های کمتری در اشاعه تجربیات معلمان را فراهم آورد. با این حال در پایان نیز تلاش می‌گردد توصیه‌ها و پیشنهادهایی جهت رفع موانع احتمالی ارائه شود.

روش پژوهش

با توجه به هدف، پژوهش حاضر در چهارچوب رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی قرار می‌گیرد. در پژوهش پدیدارشناسی، پژوهشگر سعی دارد که "پدیده‌ها را از طریق عمق تجربه‌های افراد از درون احوال و منویات و مرادات خود آن‌ها فهم کند" (Ferasatkhah, 2018: 70). در واقع پدیدارشناسی به معنای مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است که توسط یک فرد زیسته و تجربه می‌شود و اساساً به معنای جهان و یا واقعیاتی جدای از انسان نیست (Alborzi, Mohammadi, Naseri Jahromi, Safari, & Mirqhafari, 2021). از این‌رو در انتخاب نمونه و شرکت‌کنندگان در پژوهش‌های پدیدارشناسی می‌بایست به تجارب زیسته‌شده افراد مورد مطالعه توجه داشت.

شرکت‌کنندگان پژوهش

جامعه پژوهش شامل معلمان مشغول به تدریس و آموزش در دوره‌های مختلف تحصیلی استان آذربایجان شرقی است. لازم به ذکر است که جامعه معلمان در برگیرنده دوره خاصی نبود و معلمان شرکت‌کننده از دوره‌های مختلف تحصیلی هستند. اطلاع‌رسان‌های پژوهش با روش نمونه‌گیری

هدفمند^۱ از نوع ملاک محور از بین معلمان استان انتخاب شدند. حجم نمونه مورد مطالعه بر اساس اصل اشباع نظری داده‌ها صورت گرفت. به طوری که پژوهشگر در حین مصاحبه با نفر ۱۷ دریافت که داده جدیدی به وی نمی‌رسد، اما جهت اطمینان فرایند جمع‌آوری و مصاحبه را تا نفر ۲۰ ادامه داد. لازم به ذکر است در راستای دستیابی به اطلاعات و داده‌های مناسب و معتبر معیار ورود و خروج به پژوهش تعیین شد. معیار ورود به پژوهش برای معلمان علاقه‌مندی به همکاری با پژوهشگر و معیار خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به شرکت در فرایند پژوهش در هر مرحله‌ای از مصاحبه بود. دستیابی به داده‌های پژوهش با مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و با استفاده از دستگاه ضبط صوت میسر شد. در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی معلمان شرکت‌کننده در پژوهش

شماره شرکت‌کننده	جنسیت	جایگاه شغلی	سابقه کار (سال)	نوع مدرسه (دخترانه/ پسرانه)
۱	مرد	معلم ابتدایی	۷	مختلط (چند پایه)
۲	مرد	دبیر	۶	مختلط
۳	مرد	دبیر	۱۰	پسرانه
۴	مرد	معلم ابتدایی	۱۲	مختلط
۵	مرد	دبیر	۲۶	پسرانه
۶	مرد	دبیر	۲۹	پسرانه
۷	مرد	دبیر	۵	پسرانه
۸	مرد	معلم ابتدایی	۶	پسرانه
۹	زن	معلم ابتدایی	۲۲	مختلط
۱۰	مرد	معلم ابتدایی	۳۰	پسرانه
۱۱	مرد	دبیر	۲۳	مختلط (راهنمایی)
۱۲	زن	معلم ابتدایی	۱۱	دخترانه
۱۳	مرد	دبیر	۸	پسرانه
۱۴	مرد	معلم ابتدایی	۶	پسرانه
۱۵	مرد	معلم ابتدایی	۲۷	مختلط
۱۶	مرد	دبیر	۶	مختلط (راهنمایی)
۱۷	مرد	معلم ابتدایی	۴	پسرانه
۱۸	مرد	دبیر	۹	پسرانه
۱۹	مرد	دبیر	۷	پسرانه
۲۰	مرد	دبیر	۱۴	مختلط (راهنمایی)

^۱. purposive sampling

روش جمع‌آوری داده‌ها

مدت زمان مصاحبه بر اساس رغبت افراد و میزان داده‌های حاصل از مصاحبه با آن‌ها متغیر بود. به طوری که زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۳ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه با هر اطلاع‌رسان ابتدا با سؤالات کلی آغاز و به تدریج بر اساس تحلیل داده‌ها با طرح سؤالات اکتشافی ادامه یافت. بدین صورت فرایند مصاحبه به شکل رفت و برگشت بین مصاحبه‌کننده و اطلاع‌رسان صورت گرفت. به طوری که با توجه به تسلط پژوهشگر مصاحبه‌کننده، در هر کجای فرایند مصاحبه نیاز به توضیحات بیشتر از سوی شرکت‌کننده بود، پژوهشگر ورود کرده و نظرات تکمیلی را از وی جویا می‌شد. بدین ترتیب سعی شد تا حد امکان لایه‌های پنهانی در نظرات مصاحبه‌شونده باقی نماند.

جهت تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. معمولاً در تحلیل‌هایی از این جنس از الگوهای مختلفی بهره گرفته می‌شود. در طرح حاضر بر اساس الگوی مورد استفاده (Salleh, Ali, Yusof, & Jamaluddin, 2017)، مراحل آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، جستجو و گسترش مضمون‌ها، بررسی و بازبینی مضامین و شرح و توضیح مدنظر قرار گرفت. همچنین دو نفر از پژوهشگران همکار به‌طور جداگانه دست‌نوشته‌ها را تحلیل کردند و با یکدیگر به تبادل نظر پرداخته و در صورت بروز اختلاف در تحلیل‌های صورت گرفته با بحث و گفتگو بر روی موارد اختلافی توافق حاصل کردند. همچنین چند مورد از مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده به‌همراه مفاهیم استخراج شده به اطلاع‌رسان‌های پژوهش بازگردانده شد تا اطمینان حاصل شود که پژوهشگر(ان) مفهوم و منظور آنان را به‌خوبی دریافت کرده و متن مورد تأیید آنان قرار گیرد.

به‌منظور بررسی روایی از روش‌هایی مانند بررسی مداوم مصاحبه‌ها، اختصاص زمان مناسب و مطلوب، ارتباط یا درگیری طولانی مدت (به طوری که تمام مصاحبه‌ها از سوی پژوهشگر انجام شد و در هر مرحله متن مصاحبه پیاده‌سازی می‌شد و مصاحبه بعدی با آمادگی بیشتر انجام می‌شد)، بازنگری ناظر و نظرهای تکمیلی همکاران پژوهشی استفاده شده است. همچنین متناظر با مقوله اعتبار و عینیت، Salsabili (2003, as cited in Safaei Movahhed & Attaran, 2013) عنوان می‌کند اعتبار و عینیت از ویژگی‌های داده‌های پژوهشی به شمار می‌رود. بدین معنی که چند پژوهشگر به‌طور تقریبی به نتایج مشابهی از دست‌نوشته‌ها و گزارش‌ها دست یابند. به باور وی ارتباط مناسب، درگیری و بررسی مداوم، دقت در تمامی مراحل پژوهش و روشن بودن روش پژوهش، داده‌ها را عینیت می‌بخشد (Safaei Movahhed & Attaran, 2013) که در پژوهش حاضر این موارد به‌طور جدی مدنظر قرار گرفته است. به طوری که دقت در مراحل پژوهش و روشن

بودن روش پژوهش رعایت شده است. به عبارتی به منظور ارزیابی قابلیت اعتماد یافته‌های پژوهش شاخص‌های باورپذیری^۱، قابلیت اطمینان^۲، تأییدپذیری^۳ و انتقال‌پذیری^۴ مدنظر قرار گرفت. شرکت در فرایند پژوهش برای شرکت‌کنندگان کاملاً اختیاری و بر اساس تمایل آنان برنامه‌ریزی شد. به طوری که قبل از شروع و یا حتی در فرایند پژوهش، اطلاع‌رسان‌ها این امکان را داشتند که از مطالعه به صورت اختیاری خارج شوند و از همکاری و یا ادامه مصاحبه امتناع کنند. لازم به ذکر است که به شرکت‌کنندگان پژوهش اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها محرمانه خواهد ماند و در اشاعه یافته‌های پژوهش اسامی آنان عنوان نخواهد شد و اطلاعات و داده‌های حاصل تجربیات آنان تنها در مسیر پژوهش مورد استفاده و بهره‌برداری قرار خواهد گرفت.

یافته‌ها

هدف پژوهش، احصاء موانع و چالش‌های پژوهندگی در بین معلمان و بر اساس هر یک از ابعاد تفکر و دانش، نگرش و انگیزش و بعد رفتار و عمل از دیدگاه معلمان استان آذربایجان شرقی به عنوان اصلی‌ترین عناصر آموزشی مدارس است. تحلیل داده‌های پژوهش منجر به شکل‌گیری ۳ مقوله اصلی و ۲۵ مقوله فرعی گردید. لازم به ذکر است در معرفی مقوله‌های فرعی به منظور جلوگیری از افزایش حجم مقاله تنها به شواهد گفتاری یک یا دو اطلاع‌رسان پرداخته خواهد شد.

۱- چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان در بعد تفکر و دانش

در بعد تفکر بیشتر رویکرد احصاء چالش‌ها و موانع پژوهندگی به موضوع تفکر و دانش اشاره دارد. به طوری که زمینه‌های علمی و دانشی در بین معلمان و برنامه‌های دانش‌افزایی در نظام آموزش و پرورش در این بخش بیشتر مورد توجه است. مقوله‌های برآمده از مصاحبه‌های معلمان در این بخش شامل موارد معلومات ناکافی معلمان در حوزه پژوهندگی، ضعف آموزش‌های علمی دانشگاهی، ضعف آموزش‌های ضمن خدمت، فقدان فعالیت‌های خودراهبری و خودیادگیری در بین معلمان و فقدان تدوین کتب آموزشی مناسب در زمینه پژوهندگی است که در ادامه به هر یک از آنان اشاره خواهد شد.

۱-۱- معلومات ناکافی معلمان در حوزه پژوهندگی

معلومات ناکافی و فقدان برخورداری از دانش و اطلاعات مناسب در حوزه پژوهشگری و پژوهندگی اولین مقوله‌ای است که معلمان شرکت‌کننده در پژوهش بدان اشاره کرده‌اند و بر این باورند که فقدان آشنایی مناسب معلمان با اصول اساسی روش پژوهش و حیطه‌های پژوهشگری

1. credibility

2. dependability

3. confirmability

4. transformability

موانع مهمی در خصوص عدم پژوهندگی معلمان استان است. به‌طور نمونه اطلاع‌رسان شماره ۸ عنوان می‌کند «راجع به پژوهش آموزش خاصی ندیده‌ام. برای من عدم تسلط و آشنایی با تحقیق مانع مهمی است» یا اینکه یکی دیگر از شرکت‌کنندگان (شماره ۱۵) در این زمینه عنوان می‌کند «ما که کارشناسی خوانده‌ایم نه آمار توصیفی و نه تحقیق هیچی نخوانده‌ایم. ۹۹ درصد معلمان کمتر از فوق‌لیسانس راه‌ورسم تحقیق را نمی‌دانند».

۱-۲- ضعف آموزش‌های علمی دانشگاهی

آموزش‌های علمی دانشگاهی یکی از موضوعاتی است که در دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی جهت آمادگی دانشجوی معلمان برای ورود به عرصه آموزش و معلمی و کلاس‌داری به آن‌ها ارائه می‌شود. از سوی دیگر با توجه به ماده ۲۸ دانشگاه فرهنگیان مبنی بر تأمین بخشی از نیاز نیروی انسانی از طریق جذب فارغ‌التحصیلان سایر دانشگاه‌های کشور، می‌توان عنوان کرد که آموزش‌های علمی دانشگاهی در این زمینه ناظر بر آنان نیز هست.

در ادامه برخی از مفاهیم برآمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش بیان می‌گردد. به‌طور مثال شرکت‌کننده شماره ۴ عنوان می‌کند «در دانشگاه فرهنگیان فقط روش تحقیق خواندیم از اقدام‌پژوهی فقط اسمش خاطریم هست. مطالب فقط در حد تئوری و غیرکاربردی بود که نتوانست ما را از لحاظ دانش، پژوهنده بار بیاورد». یا اینکه اطلاع‌رسان شماره ۱۱ بر این باور است که «بنده که در دانش‌سرای قدیم درس خواندم دروسی مثل باغبانی، جامعه‌شناسی روستایی را در همان دانش‌سرا پاس کردم. در مورد پژوهش، دانشگاه فرهنگیان اطلاعات نظری و عملی و مهارت به دانشجوی معلمان نمی‌دهد. چند تکلیف پژوهش از دانشجوی خواسته می‌شود که آن‌ها هم از اینترنت می‌خرند».

۱-۳- ضعف آموزش‌های ضمن خدمت

آموزش‌های ضمن خدمت یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های دانش‌افزایی در دستگاه‌ها و سازمان‌های مختلف به شمار می‌رود که ضمن افزایش دانش افراد و کارکنان هر سازمان زمینه‌های ارتقا دانش و هماهنگی افراد را با برنامه‌های پیشرو به وجود می‌آورد. آموزش‌های ضمن خدمت به افراد و دستگاه‌ها یاری می‌رساند که نسبت به تبیین برنامه‌های آتی و البته برخورداری از افراد با دانش در زمینه برنامه‌ها را تضمین نماید و کیفیت عملکرد دستگاه‌ها را افزایش دهد. این در حالی است که برخی از شرکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند آموزش‌های ضمن خدمت آموزش و پرورش در این زمینه چندان مناسب عمل نکرده است. در این زمینه اطلاع‌رسان شماره ۶ عنوان می‌کند «دوره‌های ضمن خدمت مجازی هیچ دردی را در بحث تحقیق دوا نمی‌کند. باید همکاران به‌صورت گروهی و حضوری و به‌صورت مشارکتی تحقیق را به‌صورت عملی انجام دهند. در یک مانور، شخص یک بار کپسول آتش‌نشانی را به دست می‌گیرد می‌بینی ۵۰ درصد بهتر از دیگری که کپسول به دست نگرفته آمادگی بهتری دارد. دوره‌ها عملی نباشد فایده ندارد دوره ضمن خدمت فعلی کیفی نیست

بلکه کمی است». اطلاع‌رسان شماره ۱۸ نیز در این خصوص ابراز می‌کند که «در برنامه‌های ضمن خدمت کمیت مهم است نه کیفیت؛ و معلم هم می‌گوید چرا خودم را خسته کنم؟».

۱-۴- فقدان فعالیت‌های خودراهبری و خودیادگیری در بین معلمان

در دنیای امروز فعالیت‌هایی نظیر خودراهبری و خودیادگیری در ارتباط با مشاغل مختلف به صورت جدی پیگیری می‌شود. به طوری که در قالب برنامه‌های یادگیری مادام‌العمر افراد به حدی از توانایی و دانش دست می‌یابند که در ارتباط با تقویت زمینه‌های دانش تخصصی و عمومی خود به صورت مناسب عمل می‌کنند؛ یعنی بدون هدایت یک عامل خارجی، خودشان به صورت خودراهبر، فعالیت‌های یادگیری و ارتقا دانش را دنبال می‌کنند. در این زمینه اطلاع‌رسان شماره ۱۷ بیان می‌کند که «به نظر بنده افراد باید به حدی از توانمندی برسند که به صورت جدی و حتی فردی فعالیت‌های خود را دنبال کنند، خود بنده هم البته به این حد نرسیده‌ام، به نظر سایر معلمان نیز در این شرایط قرار ندارند. معلمان باید توانایی کسب دانش در زمینه‌های مختلف را داشته باشند». اطلاع‌رسان شماره ۷ نیز عنوان می‌کند «شاید به قدری فضای و دور از ذهن باشد، اما انصافاً ما معلمان نیز بایستی توانایی کسب دانش و یادگیری‌های جدید را در عرصه‌های نوظهور و دانشی کسب کنیم و فقط منتظر نمایم که افراد به ما دانش را تزریق کنند».

۱-۵ - کمبود کتب و محتوای آموزشی مناسب در زمینه پژوهندگی

تولید محتوای مناسب در هر حوزه‌ای می‌تواند ضمن اشاعه دانش در بین مخاطبان و علاقه‌مندان، زمینه‌های کسب شایستگی‌های لازم را در بین افراد ارتقا دهد. شاید بتوان عنوان کرد که فقدان کتب و محتوای آموزشی مناسب ناظر بر دانش ضعیف در این حوزه است. کمبود کتب و محتوای آموزشی مناسب، در آموزش‌های ضمن خدمت و برنامه‌های دانش‌افزایی جلوه بیشتری می‌یابد، یعنی جایی که آموزش دهندگان نیاز به آموزش بر اساس کتب و محتوای مناسب و علمی و البته در دسترس دارند، کمبود آن می‌تواند زمینه‌های کاهش بهره‌وری را به دنبال داشته باشد. اطلاع‌رسان‌های پژوهش نیز موضوع را یکی از مسائل اساسی حوزه دانش و تفکر می‌دانند. به طور نمونه اطلاع‌رسان شماره ۱۶ عنوان می‌کند «کتب خوبی در زمینه پژوهندگی نیست و من معلم نیز با توجه به اینکه شاید آموزش‌های ضمن خدمت برایم مناسب نباشد، بسیار پیگیری کردم و به این نتیجه رسیدم کتاب خوبی وجود ندارد». اطلاع‌رسان شماره ۲۰ نیز در زمینه کمبود کتب و محتوای آموزشی در زمینه پژوهندگی عنوان می‌کند «محتوای مناسبی در ارتباط با پژوهندگی در دسترس من قرار ندارد. زمانی می‌توانید از لزوم پژوهشگری در تدریس و آموزش و کلاس‌داری و آموزش و پرورش حرف بزنید که محتوای مناسبی داشته باشید و گرنه معلمان چطور می‌توانند توانایی لازم را کسب کنند!».

۲- چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان در بعد نگرش و انگیزش

در ارتباط با بررسی و احصاء چالش‌ها و موانع پژوهندگی در بین معلمان، یکی از موارد کلی به ابعاد حوزه نگرش و انگیزش اشاره دارد. در این بخش از پژوهش سعی شده است شواهد گفتاری و مقوله‌های برآمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش مورد توجه قرار گیرد. در ادامه مقوله‌های برآمده از مصاحبه اطلاع‌رسان‌های پژوهش ذکر شده است.

۲-۱- جایگاه پایین پژوهش در آموزش و پرورش و برنامه‌های ادارات آموزشی

جایگاه پایین پژوهش در آموزش و پرورش و برنامه‌های ادارات آموزشی اولین مقوله احصائی در حوزه موانع و چالش‌های پژوهندگی در بین معلمان استان آذربایجان شرقی ناظر بر بعد نگرش و انگیزش است. این مقوله را می‌توان ناشی از این موضوع دانست که در نگرش معلمان، پژوهش جایگاه پایینی در برنامه‌های آموزش و پرورش دارد. این موضوع را می‌توان در شواهد گفتاری معلمان شرکت‌کننده در فرایند مصاحبه مشاهده کرد. به‌طور مثال شرکت‌کننده شماره ۱ عنوان می‌کند «پژوهش هدف و ابزاری جهت ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی آموزش و پرورش نیست. برای کسب امتیاز وارد پژوهش می‌شویم تا جدول امتیازات پر شود و همچنین در نقل و انتقال و ارزشیابی آخر سال به‌کار آید». یا اینکه شرکت‌کننده شماره ۱۴ بر این باور است که بودجه پژوهش در اداره آموزش و پرورش در بخش‌های دیگر هزینه می‌شود. وی بیان می‌کند که «بودجه فصل پنجم در اداره عوض پژوهش در جاهای دیگر هزینه می‌شود». به‌عبارتی این موضوع ناشی از جایگاه پایین پژوهش است و اعتبار و بودجه پژوهش به‌اصطلاح در سایر بخش‌های اولویت‌دار آموزش و پرورش هزینه می‌گردد.

۲-۲- فقدان استقبال و حمایت معنوی از پژوهش‌های معلمان

در برخی از موارد معلمان تنها دل‌مشغولی نسبت به کسب دستمزد و حقوق بیشتر و یا ارتقا پست ندارند، بلکه تمایل دارند که یافته‌های پژوهشی آنان با استقبال مسئولان روبه‌رو شده و با سازوکارهای مدون و مشخص در اختیار سایر همکاران قرار گیرد، شاید از این طریق زمینه‌های مفید بودن کارهای پژوهشی و فعالیت‌های پژوهندگی در بین آنان ایجاد گردد. در این زمینه می‌توان به شواهد گفتاری اطلاع‌رسان شماره ۲ توجه کرد. این شرکت‌کننده عنوان می‌کند «من در مقاله‌ای رابطه استفاده از شبکه شاد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را بررسی کرده‌ام؛ ولی وقتی رئیس و مافوق من ارزش معنوی قائل نیستند و حتی در اتوماسیون اداری جهت بهره‌برداری همکاران بارگذاری نمی‌کند من چکار کنم و چه انگیزه‌ای داشته باشم؟». اطلاع‌رسان شماره ۶ نیز به شیوه دیگری این موضوع را بیان می‌کند «از پژوهش من معلم استفاده نمی‌شود. راجع به خودکارآمدی و سلامت روان دانش‌آموزان منطقه تحقیق انجام دادم ولی استفاده نشد. می‌بینم از نتیجه تحقیق استفاده نمی‌شود انگیزه‌ام از بین می‌رود».

۲-۳- نبود روحیه تیمی پژوهشگری

یکی از موانع و چالش‌های حوزه نگرش و انگیزش در بین معلمان با توجه به شواهد گفتاری حاصل از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش «نبود روحیه همکاری تیمی پژوهشگری» در بین معلمان است. این موضوع در مصاحبه برخی از مصاحبه‌شوندگان قابل ملاحظه است. به طوری که اطلاع‌رسان شماره ۱۱ عنوان می‌کند «درس پژوهی در ژاپن غوغا کرده است. اندک محققان معلم ما یارگیری پژوهشگری ندارند. کار تیمی را مچ‌گیری تلقی می‌کنیم». اطلاع‌رسان شماره ۱۵ نیز بر این باور است که «الآن همکاران درس پژوهی را می‌نویسند تا با دیگران رقابت کنند در حالی که فلسفه درس پژوهی همکاری است».

۲-۴- فقدان تأثیر یافته‌ها و پژوهش‌های کاربردی در حقوق و دستمزد

برخی از معلمان بر این باورند که عدم تأثیر یافته‌ها و پژوهش‌های کاربردی در حقوق و دستمزد موجبات فقدان علاقه و ورود به این عرصه را برای آنان و همکارانشان فراهم آورده است. این مورد را شاید بتوان در بخش رفتار و عمل نیز مورد اشاره قرار داد؛ اما از آنجایی که فقدان تأثیر پژوهش و پژوهندگی در حقوق و دستمزد موجبات کاهش انگیزه و فقدان تمایل برای ورود به این عرصه را فراهم آورده است، پژوهشگر این مقوله را در بخش نگرش و انگیزش قرار داده است. چرا که جنبه‌های روانی این موضوع به نظر می‌رسد تأثیرات گسترده‌تری داشته باشد. به طور نمونه اطلاع‌رسان شماره ۵ عنوان می‌کند «پژوهش در آموزش و پرورش هیچ ارزشی ندارد. حتی برای گرفتن یک ساعت اضافه تدریس هم نقشی ندارد. قبلاً ضمن خدمت به ۱۰۰ ساعت یا ۲۰۰ می‌رسید پاداش می‌دادند و به حقوق اضافه می‌شد. ولی الآن حتی به پژوهش هم ارزش قائل نیستند». یا اینکه اطلاع‌رسان شماره ۱۲ چنین بیان می‌کند «چون انجام پژوهش در معیشت من تأثیر ندارد هیچ انگیزه‌ای ندارم و به دنبالش نمی‌روم».

۲-۵- فقدان تأثیر پژوهش در ارتقا پست و مزایا

عدم تأثیر انجام پژوهش در دستیابی به جایگاه و ارتقا پست و مزایا در حرفه معلمی سبب شده است که معلمان از انگیزه کافی برخوردار نبوده و علاقه‌ای برای نشان دادن توانایی‌ها و البته بهره‌مندی از ظرفیت‌های پژوهندگی در فرایند آموزش و تدریس خود نداشته باشند. حتی در این مورد معلمان با قیاس خود با اساتید دانشگاهی نیاز به تأثیر پژوهش در فرایند ارتقا جایگاه و پست را ضروری احساس می‌کنند. اطلاع‌رسان شماره ۱ در خصوص این مورد چنین عنوان می‌کند «در دانشگاه فردی چند مقاله و تحقیق انجام می‌دهد و مثلاً از استادیار به دانشیار ارتقا پیدا می‌کند. در آموزش و پرورش چه اتفاقی می‌افتد؟». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۷ بیان می‌کند «مقاله دانشگاهی اهمیت دارد و به مقاله معلمان اهمیت نمی‌دهند. به اختراع توجه می‌کنند و مقاله و پژوهش معلم اهمیت ندارد».

۲-۶- فرهنگ سازمانی و القای تصورات منفی

شواهد گفتاری برخی از معلمان حاکی از آن است که متأسفانه فرهنگ سازمانی موجود در آموزش و پرورش به نوعی مانع از حرکت معلمان به سمت پژوهش و پژوهندگی می‌شود. در این شرایط می‌توان عنوان کرد که جو فرهنگ سازمانی به نوعی با القای تصورات منفی همراه بوده و با کاهش انگیزه معلمان و مهم‌تر از آن معلمان جوان و تازه‌کار، پایه‌های انجام پژوهش را سست کرده و حتی مانع از حرکت افراد به سوی این مسیر می‌گردد. شواهد گفتاری برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش به‌خوبی مؤید این موضوع است. اطلاع‌رسان شماره ۳ عنوان می‌کند «به‌عنوان مدرس دوره‌های ضمن خدمت هر وقت بحث تحقیق و پژوهش در جلسات پیش می‌آمد، دانشجو معلمان می‌گفتند که صرفاً برای گرفتن نمره ارزشیابی آمده‌ام دوره ضمن خدمت. همچنین می‌گفتند که استاد ما در دانشگاه فرهنگیان می‌گفت: فکر نان کن که خربزه آب است؛ یعنی معلمی اولویت چندم شما باشد. با این شرایط آیا برای دانشجو انگیزه تحقیق و پژوهش می‌ماند؟». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۷ نیز عنوان می‌کند «در شورای دبیران مسائلی مطرح می‌شود. روزی پیشنهاد دادم تا راجع به یک مسئله خاص و تأثیرگذار در یادگیری دانش آموزان تحقیقی انجام دهیم. عکس العمل، خنده و مسخره همکاران بود. می‌گفتند: حالا حالاها جوانی ... بیکاری ها ...».

۲-۷- عدم معرفی الگوهای موفق پژوهشگری و افراد پژوهشگر

یکی از مواردی که می‌تواند در افزایش انگیزه معلمان به‌ویژه در حوزه پژوهشگری مؤثر باشد، موضوع ارج نهادن به تلاش‌های معلمان در حوزه پژوهشگری بوده و در قالب انتخاب الگوهای موفق پژوهشگری است. به طوری که با انتخاب و معرفی الگوهایی که با انجام پژوهش یکی از مسائل و مشکلات اساسی تدریس را برطرف ساخته و یا در مسیر رشد و تعالی آموزش و یادگیری قدم برداشته‌اند، می‌توان انگیزه و میل به پژوهش را در معلمان افزایش داد و زمینه‌های بهره‌مندی سایر همکاران را از دستاوردها و الگوهای موفق فراهم آورد. اطلاع‌رسان شماره ۶ عنوان می‌کند «زنجیر بستن معلم در فصل زمستان و رفتن به مدرسه را بارها رسانه‌ای می‌کنند ولی نتایج اندک پژوهشگران منطقه را هیچ‌وقت معرفی نمی‌کنند». اطلاع‌رسان شماره ۱۱ نیز بر این باور است که «الگوها و پژوهشگران و معلمان موفق در این عرصه را من ندیده‌ام. معرفی این افراد انگیزه تحقیق و پژوهش را بالا می‌برد».

۲-۸- فقدان کاربردی یافته‌های پژوهشی در آموزش و پرورش

فقدان کاربردی یافته‌های پژوهشی نه تنها در آموزش و پرورش بلکه در سایر سازمان‌ها نیز زمینه‌های کاهش انگیزه را در بین کارکنان و پژوهشگران به وجود آورده است. چرا که معلمان احساس می‌کنند که عامل اجرایی صرف خط‌مشی تعیین شده از سوی آموزش و پرورش بوده و خود نقشی در ارتقا کیفی و کمی فعالیت‌های آموزش و پرورش ندارند. در این صورت آنان بدون توجه به

آثار مثبت پژوهش از انجام آن خودداری می‌کنند. در این زمینه می‌توان به اظهارات اطلاع‌رسان شماره ۴ اشاره کرد. وی بیان می‌کند «انجام پژوهش در این سیستم آموزشی چه فایده‌ای دارد زمانی که امکان پیاده‌سازی یافته‌ها در کلاس‌های درس عملاً وجود ندارد؟». اطلاع‌رسان شماره ۹ نیز بیان می‌کند «این همه پژوهش و تحقیق در دانشگاه‌ها توسط دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در پایان‌نامه‌ها انجام می‌شود. آیا از نتایج آن‌ها در مدرسه و کلاس استفاده می‌شود؟».

۲-۹- فرسودگی شغلی معلمان

بر اساس شواهد موجود و نارضایتی‌های حاکم بر فضای آموزش و پرورش، برخی از معلمان به دلیل حجم بالای کار و دریافتی کمتر نسبت به سایر مشاغل، دچار فرسودگی شغلی شده‌اند. شواهد گفتاری برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش نیز بر این موضوع دلالت دارد. به طور نمونه اطلاع‌رسان شماره ۹ عنوان می‌کند «همکار ۲۸ سال سابقه من نای رفتن به کلاس را ندارد با دانش‌آموزان درگیر می‌شود. سواد ندارد و چیزی برای گفتن ندارد چطور می‌تواند تحقیق کند». یا اینکه اطلاع‌رسان شماره ۱۴ چنین عنوان می‌کند «افراد و همکاران قدیمی نسبت به پژوهش بی‌تفاوت‌اند. برخی هم معلمی را شغل دوم می‌دانند».

۲-۱۰- فقدان جایگاه مناسب پژوهش در بین والدین

یکی از مقوله‌های احصائی حاصل از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش، فقدان جایگاه مناسب پژوهش در بین والدین است. معلمان نمی‌توانند چرخه فرایند آموزش پژوهی و پژوهندگی خود را تکمیل نمایند و با عدم همکاری والدین، کم‌وبیش از انجام فعالیت‌های پژوهشی که نیازمند همکاری دانش‌آموزان است، خودداری می‌شود. به طور نمونه اطلاع‌رسان شماره ۵ عنوان می‌کند «بعضاً اولیا به من مراجعه می‌کند و می‌گوید تدریس کتاب‌های درسی کار و فناوری و تفکر و پژوهش که الفبای پژوهش است را کنار بگذارم و به جای آن ریاضی تدریس کنم». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۹ بیان می‌کند «دانش‌آموزان را عمداً دنبال جستجوی مطالب می‌فرستادم تا در خانه فعالیت داشته باشند مدیر تحت فشار والدین گفت خواهشاً تمامی کارها را اینجا در کلاس خودت انجام بده و هر امکاناتی می‌خواهی برایت فراهم می‌کنم یا اینکه سؤالات را از والدین بپرس و پرسش‌نامه را والدین تکمیل کنند، اصلاً والدین این کار را نمی‌کنند و همکاری ندارند».

۲-۱۱- اولویت مباحث و رویکرد کنکوری در برنامه‌های درسی مدارس و نظام آموزشی

متأسفانه می‌توان از کنکور سراسری به‌عنوان یکی از مسائلی نام برد که به‌طور گسترده بر فعالیت‌ها و فرایندهای آموزشی نظام آموزش و پرورش سایه افکنده است و تمامی برنامه‌های درسی و آموزشی مدارس را تحت‌الشعاع قرار داده است. اطلاع‌رسان‌های پژوهش بر این باورند که کنکور سراسری نه تنها فعالیت‌های پژوهشی را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه تمام برنامه‌های آموزشی نیز در مدارس معطوف به این موضوع است. به‌طور نمونه اطلاع‌رسان شماره ۱۰ عنوان می‌کند «زمانی که

تمام تمرکز دانش‌آموزان و خانواده آنان در مسیر کسب رتبه کنکور سراسری است، چطور می‌توان برنامه‌های پژوهش و پژوهندگی را پیش برد. نمی‌شود تنها معلم پژوهشگر باشد به نظر من بخشی از فعالیت‌های پژوهشی با کمک دانش‌آموزان مقدور است که کنکور اجازه همراهی نمی‌دهد». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۱۳ بر این باور است «کنکور تمام برنامه‌های درسی را به خودش اختصاص داده، دانش‌آموزان بعضاً برای رفع تکلیف به کلاس درس می‌آیند تا زنگ آخر برسه و کلاس‌های آموزشی بیرون بروند».

۳- چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان در بعد رفتار و عمل

سومین بعد از چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان مربوط به حیطه رفتار و عمل است. در این بخش سعی شده است آن دسته از چالش‌هایی مورد توجه قرار گیرد که بیشتر جنبه عملی داشته و یا در عمل پژوهش وقفه ایجاد می‌کنند. چالش‌های عملی می‌تواند شامل عمل سازمانی و رفتار و عمل معلمان به‌عنوان یک پژوهشگر مورد توجه قرار گیرد.

۳-۱- چالش‌ها و محدودیت‌های زمانی در اجرای پژوهش

اولین چالش مورد اشاره در بعد رفتار و عمل، ناظر بر محدودیت‌های زمانی است که موجبات وقفه و یا عدم امکان پژوهش برای معلمان را فراهم می‌آورد. عدم اختصاص دادن زمان کافی به فعالیت‌های پژوهشی معلمان در برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس، محدودیت‌هایی را برای معلمان در این عرصه به وجود آورده است. اطلاع‌رسان شماره ۲ بیان می‌کند «در برنامه درسی ملی گفته شده درس پژوهی انجام شود. آیا در برنامه درسی اجرایی هم لحاظ شده است؟ از شنبه تا چهارشنبه و از ۸ صبح تا ۱ بعدازظهر مشغول تدریس هستیم». اطلاع‌رسان شماره ۶ نیز بر این باور است که «۲۴ ساعت معلم پر است. بعد از این همه تدریس ریاضی و فیزیک وقت و زمان برای پژوهش معلم می‌ماند؟».

۳-۲- وجود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیر

در برخی از موارد وجود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه محدودیت‌هایی را در اجرای فرایند پژوهش برای پژوهشگران به دنبال دارد که زمینه‌های عدم ورود معلمان را به این عرصه فراهم می‌آورد. معلمان شرکت‌کننده در پژوهش بر این موضوع اشاره داشتند که در برخی از موارد دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه موانعی را برای آنان به وجود آورده است. اطلاع‌رسان شماره ۱۱ بیان می‌کند «حراست گیر داده بود که گویه‌های پرسش‌نامه استاندارد را تغییر دهم. مثل توپ فوتبال از آن فرد به فرد دیگری پاس کاری می‌کردند تا پرسش‌نامه مرا تأیید کنند. جالب است کسانی که قرار بود پرسش‌نامه را تأیید کنند هیچ اطلاعی از پژوهش نداشتند و می‌گفتند کار من نیست به فلانی مراجعه کنید». اطلاع‌رسان شماره ۱۸ نیز وجود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیر را عاملی در زمینه عدم ترغیب معلمان برای ورود به عرصه پژوهشگری می‌داند و با توجه به سختی‌های

دریافت داده از اداره چنین بیان می‌کند «فناوری و آمار اداره با من همکار پژوهشگر، همکاری نمی‌کرد و آن‌قدر دویدم تا تعداد و آمار دانش‌آموزان و همچنین مجوز پژوهش را بگیرم».

۳-۳- فقدان مسئولان پژوهشی متبخر

برخی از معلمان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، بر این باورند «فقدان مسئولان پژوهشی متبخر» یکی از موانع و چالش‌های موجود در زمینه رفتار و عمل پژوهندگی آنان است. اطلاع‌رسان شماره ۶ بیان می‌کند «مسئول پژوهشی اداره ما کار بلد نیست که مرجع علمی باشد و من که پژوهش بلد نیستم بروم از او راهنمایی بگیرم و یا او نقش واسطه‌گری را ایفا کند و من بروم از باتجربه‌ها بپرسم و مشکلم را در فرایند تحقیق حل کنم». اطلاع‌رسان شماره ۱۱ نیز بیان می‌کند «در اداره ما شخصی هست به‌عنوان کاربر رایانه و آمار و حالا عنوان پژوهش را هم به آخرش اضافه کرده‌اند و شده مثلاً مسئول پژوهش. صرفاً رفع تکلیف است».

۳-۴- ناهماهنگی سطوح برنامه‌ریزی و فرایند اجرایی پژوهش (شکاف و فاصله نظر و عمل)

برخی از معلمان شرکت‌کننده در پژوهش بر این باورند که ناهماهنگی‌هایی بین سطوح برنامه‌ریزی و فرایند اجرایی پژوهش در مناطق مختلف آموزشی ملاحظه می‌شود. به‌نوعی شکاف و فاصله بین نظر و عمل در حیطه پژوهش و پژوهندگی وجود دارد. انتظارات متولیان و تصمیم‌گیران بدون توجه به حیطه‌های کاری و وضعیت مناطق مختلف آموزشی است که امکان انجام پژوهش و پژوهندگی را در بین معلمان تقلیل می‌دهد. اطلاع‌رسان شماره ۱ چنین اظهار می‌کند که «در شعارها و آموزش‌وپرورش تصمیمات خوبی گرفته می‌شود ولی وقتی به عمل می‌رسد آب می‌رود و نظارت نمی‌شود؛ و افراد پایین‌تر سر در نمی‌آورند و روسای مناطق بی‌تفاوت و بی‌سواد هستند». اطلاع‌رسان شماره ۵ نیز بیان می‌کند «دغدغه اداره تأمین معلم است تا در مدرسه باز باشد و صدای اولیا در نیاد. تحقیق در اولویت نیست» «درس پژوهشی در ایران مانند این است که شلوار گشاد و چین‌دار بپوشی با کراوات. به حالت نمادین و شعارگونه در مدارس ما اجرا می‌شود».

۳-۵- ضعف تبلیغات و اطلاع‌رسانی در حوزه برنامه‌های پژوهش‌محور

معلمان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر بر این باورند که تبلیغات و اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه‌های پژوهش‌محور در استان آذربایجان شرقی به‌خوبی صورت نمی‌گیرد. آنان عنوان می‌کنند که دستورالعمل‌های مرتبط با برنامه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی دیر به دست همکاران می‌رسد. اطلاع‌رسان شماره ۴ چنین عنوان می‌کند «دستورالعمل جشنواره‌های پژوهشی دست همکاران نمی‌رسد. چون من قبلاً تدریس می‌کردم وقتی آمدم اداره این را دریافتیم. البته دلایلی دارد. یا بخشنامه‌ها متعدد است، یا مدیر سهل‌انگار است و از معلم‌اش شناخت ندارد. قبلاً کاغذی بود و چاپ می‌شد و به مدارس ارسال می‌شد و همکاران می‌دیدند الآن الکترونیکی است». اطلاع‌رسان شماره ۹ در خصوص اطلاع‌رسانی ضعیف برنامه‌های پژوهشی عنوان می‌کند «برخی مدیران سواد

رسانه‌ای ندارند. جشنواره نوجوان سالم، همکاران را تشویق کرده بود که همکاران درباره سبک زندگی سالم نوجوان پژوهش کنند. ولی اطلاع‌رسانی نمی‌شود و همکاران توجیه نمی‌شوند».

۳-۶- فقدان استقبال عوامل اجرایی مدارس از حوزه پژوهشگری

برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش عنوان کردند که عوامل اجرایی مدارس از فعالیت‌های پژوهشگری معلمان استقبال نمی‌کنند. چرا که انتظار دارند افراد رتبه‌های بالایی در المپیادهای دانش‌آموزان و البته کنکور سراسری کسب کنند. حیطه پژوهش در مقابل کسب رتبه‌های کنکوری و المپیادهای دانش‌آموزی، چندان نمی‌تواند زمینه‌های کسب موفقیت و افتخار را برای مدارس و عوامل اجرایی هموار سازد. اطلاع‌رسان شماره ۵ عنوان می‌کند «آگاهی برخی مدیران کم است و همچنین ذهنیت برخی مدیران هم منفی است. مدیر می‌گفت: دانش‌آموزان من نمی‌توانند پرسش‌نامه تکمیل کنند و نظر بدهند. او شمشیر را از رو بست. می‌ترسید که من با تحقیق خودم مسائل آموزشی مدرسه و کم‌وکاستی‌های احتمالی را برملا کنم. در حالی که موضوع تحقیق من چیز دیگری بود». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۷ نیز بیان می‌کند «از آموزش و پرورش نامه گرفتم تا مدارس با من پژوهشگر همکاری کنند. تقریباً نصف مدیران با من همکاری نکردند. نصف دیگر هم که اعتنا کردند در ۵ دقیقه پایانی کلاس اجازه دادند که پرسش‌نامه‌ها را توزیع کنم. دانش‌آموزان هم با عجله پرسش‌نامه‌ها را فقط پر می‌کردند. بعضاً مدیر نگران مدرسه است و با من پژوهشگر همکاری نمی‌کند».

۳-۷- کم‌توجهی به تخصص افراد و سیطره فعالیت‌های سیاسی در انتصاب مسئولان پژوهش

برخی از شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر عنوان کردند که متأسفانه فعالیت‌های سیاسی افراد در انتصاب مسئولان پژوهشی نقش پررنگی دارد. تخصص و توانایی‌های افراد در حیطه‌های پژوهش نادیده انگاشته می‌شود و افراد دارای ارتباط با افراد سیاسی مسئولیت‌های پژوهشی را در دست می‌گیرند. اطلاع‌رسان شماره ۸ در این خصوص چنین عنوان می‌کند «ورود سیاست به بدنه آموزش و پرورش موجب چالش شده است. می‌بینی رئیس و زیرمجموعه در اداره خالی از اطلاعات در مورد پژوهش هستند. من خاک‌خورده پژوهش و مشکلات آن در منطقه هستم ولی دغدغه من به‌خاطر همان مسائل سیاسی به حساب نمی‌آید». اطلاع‌رسان شماره ۹ نیز بیان می‌کند «طرف نمی‌داند اصلاً مقاله چیست ولی در اداره کل مسئول پژوهش است، چرا چون قبلاً دارای فعالیت‌های سیاسی بوده است».

۳-۸- فقدان به‌کارگیری معلمان دارای تخصص

اطلاع‌رسان‌های پژوهش یکی از موانع و چالش‌های مسیر پژوهندگی در استان را عدم به‌کارگیری معلمان متخصص برای دروس دارای ارتباط با حوزه پژوهش و فناوری می‌دانند. آنان بر این باورند که دروسی مانند تفکر و پژوهش را نمی‌توان به معلمان سایر دروس سپرد و می‌بایست معلمان دارای تخصص در حوزه پژوهش این دروس را تدریس کرده و زمینه‌های گسترش روحیه پژوهشگری را

در بین دانش‌آموزان به وجود آورند. اطلاع‌رسان شماره ۷ عنوان می‌کند «معلم ریاضی کتاب تفکر و پژوهش را تدریس می‌کند. دانش‌آموز هم چیزی از تحقیق نمی‌داند». یا اینکه اطلاع‌رسان شماره ۱۱ نیز در تأیید فقدان به‌کارگیری معلمان دارای تخصص برای دروسی مانند تفکر و پژوهش، چنین بیان می‌کند «کتاب تفکر و پژوهش را به نیروهای تربیت بدنی می‌دهند تا تدریس کنند پس تخصص کجا می‌رود؟».

۳-۹- هزینه‌های سنگین و بار مالی انجام پژوهش

برخی از معلمان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر بر این باورند که «هزینه‌های سنگین و بار مالی انجام پژوهش» یکی از موانع و چالش‌های حیطه رفتار و عمل مسیر پژوهش معلمان است. معلمان با توجه به دریافتی خود چندان تمایلی برای صرف هزینه در این مسیر ندارند. از آنجایی که آموزش و پرورش هزینه‌ای را جهت انجام پژوهش به معلمان پرداخت نمی‌کند، معلمان علاقه‌مند می‌بایست جهت انجام پژوهش از هزینه‌های شخصی استفاده کنند. هرچند می‌توان پژوهش و پژوهندگی در فرایند تدریس را بدون صرف هزینه‌های جانبی تکمیل پرسش‌نامه صورت داد، اما اینترنت مصرفی، دریافت و استفاده از مقالات داخلی و خارجی هزینه‌هایی را به دنبال دارد که می‌تواند افراد را از مسیر پژوهش دور سازد. اطلاع‌رسان شماره ۱۳ بیان می‌کند «پژوهش هزینه‌بر است برای مصاحبه و یا تکمیل پرسش‌نامه باید شهرهای مختلف استان آذربایجان شرقی را می‌رفتم». همچنین اطلاع‌رسان شماره ۱۷ نیز اظهار می‌دارد «تحقیق هزینه دارد رفتن به کتابخانه دانشگاه‌ها، هزینه گرفتن مقاله از پایگاه‌های اطلاعاتی مثل نورمگز و مگیران و ...».

جدول ۲ نشان دهنده چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان بر اساس هر یک از ابعاد تفکر و دانش، نگرش و انگیزش و بعد رفتار و عمل است.

جدول ۲. چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان

ردیف	بعد تفکر و دانش	بعد نگرش و انگیزش	بعد رفتار و عمل
۱	معلومات ناکافی معلمان در حوزه پژوهندگی	جایگاه پایین پژوهش در آموزش و پرورش و برنامه‌های ادارات آموزشی	چالش‌ها و محدودیت‌های زمانی در اجرای پژوهش
۲	ضعف آموزش‌های علمی دانشگاهی	فقدان استقبال و حمایت معنوی از پژوهش‌های معلمان	وجود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیری
۳	ضعف آموزش‌های ضمن خدمت	نبود روحیه تیمی پژوهشگری	فقدان مسئولان پژوهشی متبحر
۴	فقدان فعالیت‌های خودراهبری و خودیادگیری در بین معلمان	فقدان تأثیر یافته‌ها و پژوهش‌های کاربردی در حقوق و دستمزد	ناهماهنگی سطوح برنامه‌ریزی و فرایند اجرایی پژوهش (شکاف و فاصله نظر و عمل)
۵	کمبود کتب و محتوای آموزشی مناسب در زمینه پژوهندگی	فقدان تأثیر پژوهش در ارتقا پست و مزایا	ضعف تبلیغات و اطلاع‌رسانی در حوزه برنامه‌های پژوهش محور
۶	-	فرهنگ سازمانی و القای تصورات منفی	فقدان استقبال عوامل اجرایی مدارس از حوزه پژوهشگری
۷	-	عدم معرفی الگوهای موفق پژوهشگری و افراد پژوهشگر	کم‌توجهی به تخصص افراد و سیطره فعالیت‌های سیاسی در انتصاب مسئولان پژوهش
۸	-	فقدان کاربست یافته‌های پژوهشی در آموزش و پرورش	فقدان به‌کارگیری معلمان دارای تخصص
۹	-	فرسودگی شغلی معلمان	هزینه‌های سنگین و بار مالی انجام پژوهش
۱۰	-	فقدان جایگاه مناسب پژوهش در بین والدین	-
۱۱	-	اولویت مباحث و رویکرد کنکوری در برنامه‌های درسی مدارس و نظام آموزشی	-

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش احصاء موانع و چالش‌های پژوهندگی در بین معلمان بر اساس هر یک از ابعاد تفکر و دانش، نگرش و انگیزش و بعد رفتار و عمل از دیدگاه معلمان استان آذربایجان شرقی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که چالش‌ها و موانع پژوهندگی در بین معلمان بر اساس بعد تفکر و دانش شامل مقوله‌های اصلی معلومات ناکافی معلمان در حوزه پژوهندگی، ضعف آموزش‌های علمی دانشگاهی، ضعف آموزش‌های ضمن خدمت، فقدان فعالیت‌ها و آموزش‌های خودراهبری و خودیادگیری در بین معلمان و کمبود کتب و محتوای آموزشی مناسب در زمینه پژوهندگی است. بنا بر نظرات (as cited in Saki, 2013) Dena and Fichman, 2008; Harled and Samerz, 2008 بی‌شک معلمان برای توسعه حرفه‌ای خود و همچنین برای نیل به تدریس اثربخش می‌بایست در ابعاد گوناگون با پژوهش ارتباط برقرار کنند. به عبارتی معلمان برای موفقیت در عرصه تدریس و یادگیری به مثابه راهبران اصلی این عرصه باید نسبت به بهره‌مندی از دانش و آگاهی بالا از طریق ظرفیت پژوهش اقدام کنند (Saki, 2013: 130).

معلومات ناکافی معلمان اولین مقوله‌ای است که معلمان از آن به عنوان عاملی در خصوص فقدان پژوهندگی در بین همکاران یاد می‌کنند. به عبارتی می‌توان اظهار کرد که این موضوع به نوعی ارتباط نزدیکی با ضعف آموزش‌های ضمن خدمت دارد، چرا که یکی از اهداف آموزش‌های ضمن خدمت می‌بایست توانمندسازی معلمان برای انجام مأموریت‌های آموزش و پرورش در بخش‌های مختلف باشد. هر چند که می‌توان آموزش‌های بدو ورود معلمان را نیز در این مسیر مدنظر قرار داد. با نگاهی به یافته‌های پژوهش Saki (2013) می‌توان عنوان کرد که نیاز معلمان به سواد پژوهشی موردی ضروری است که می‌تواند در جنبه‌های مختلف تدریس آنان اثرگذار باشد. از آن مهم‌تر نیاز معلمان به سواد پژوهشی در دوره‌های مختلف ضروری تشخیص داده شده است؛ یعنی معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه نیازمند این سواد هستند؛ به عبارت دیگر تمامی سطوح شش گانه سواد پژوهشی، یعنی دانش عمومی درباره پژوهش، دانش عمومی درباره پژوهش در آموزش و پرورش، روش‌های پژوهش معلم محور، استفاده از دانش کلاسیک و پژوهش‌های دیگران، تربیت دانش آموز پژوهنده و مهارت‌های پایه‌ای پژوهش، مورد نیاز معلمان هستند.

از سوی دیگر بنا بر ادعای اطلاع‌رسان‌های پژوهش فقدان فعالیت‌ها و آموزش‌های خودراهبری و خودیادگیری در بین معلمان و به نوعی یادگیری مادام‌العمر در بین آنان موجبات عدم حرکت به سوی یادگیری در حوزه پژوهندگی را فراهم آورده است.

دومین بعد از چالش‌ها و موانع پژوهندگی معلمان معطوف به حوزه نگرش و انگیزش است. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با شرکت‌کنندگان پژوهش نشان می‌دهد مقوله‌های اصلی در این بعد شامل موارد جایگاه پایین پژوهش در آموزش و پرورش و برنامه‌های ادارات آموزشی، فقدان

استقبال و حمایت معنوی از پژوهش‌های معلمان، نبود روحیه تیمی پژوهشگری، فقدان تأثیر یافته‌ها و پژوهش‌های کاربردی در حقوق و دستمزد، فقدان تأثیر پژوهش در ارتقا پست و مزایا، فرهنگ سازمانی و القای تصورات منفی، عدم معرفی الگوهای موفق پژوهشگری و افراد پژوهشگر، فقدان کاربست یافته‌های پژوهشی در آموزش و پرورش، فرسودگی شغلی معلمان، فقدان جایگاه مناسب پژوهش در بین والدین و اولویت مباحث و رویکرد کنکوری در برنامه‌های درسی مدارس و نظام آموزشی است.

اطلاع‌رسان‌های پژوهش بر این باورند که پژوهش در آموزش و پرورش و برنامه‌های ادارات آموزشی جایگاه پایینی دارد. جایگاه پایین فعالیت‌های پژوهشی در برنامه‌های آموزش و پرورش و فقدان تأثیر این فعالیت‌ها در حقوق، دستمزد و ارتقا پست سازمانی و مزایا، زمینه‌های بی‌توجهی به این حوزه را شدت بخشیده است. به طوری که این بی‌توجهی سبب شده است حتی استقبال معنوی نیز از معلمان فعال و علاقه‌مند در این مسیر صورت نگیرد. بدون شک برخورداری از مزایا و حقوق، ارتقا پستی و سایر مشوق‌های موجود در عرصه‌های سازمانی می‌تواند نسبت به اشاعه عدالت در ساختار سازمانی مؤثر باشد.

فرهنگ سازمانی و القای تصورات منفی در سازمان یکی دیگر از مقوله‌های بعد نگرش و انگیزش در حوزه موانع و چالش‌های پژوهندگی در بین معلمان است. بر اساس تعاریف ارائه شده، فرهنگ سازمانی، مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های مشترک حاکم بر سازمان است که اعضای سازمان بر اساس آن‌ها رفتار می‌نمایند (Hoseyni, Hadadi, & Rakhshani, 2018). بر این اساس می‌توان چنین عنوان کرد که نگرش فرهنگ سازمانی حاکم بر آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی نسبت به پژوهش و پژوهندگی ترغیب نبوده و با القای تصورات منفی در بین همکاران، افراد انگیزه‌ای جهت ورود به این حوزه را ندارند.

از سوی دیگر عدم معرفی الگوهای موفق پژوهشگری و افراد پژوهشگر و فقدان کاربست یافته‌های پژوهشی در آموزش و پرورش از جمله مقوله‌های اصلی بعد نگرشی و انگیزشی موانع پژوهندگی از دیدگاه معلمان به شمار می‌رود. معلمان بر این باورند که عدم معرفی الگوهای موفق پژوهشگری و افراد پژوهشگر زمینه‌های کاهش انگیزه در بین آنان را فراهم آورده است. البته برخی از گزارش‌ها در ارتباط با کشورهای جهان نشان می‌دهند که مطالعات گسترده‌ای بر حوزه شناسایی موانع کاربست تحقیقات متمرکز بوده که خود حاکی از آن است که دغدغه شناسایی عدم استفاده از یافته‌های پژوهشی مشکلی عام است که متأسفانه کشورهای جهان سوم با آن درگیر هستند (Ghasemi et al., 2011, as cited in Alizadeh Aghdam, 2014).

فرسودگی شغلی معلمان از جمله مضامین اصلی برآمده از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش است که زمینه‌های فقدان پژوهندگی در بین معلمان را به وجود آورده است. در مطالعات مدیریت

از فرسودگی شغلی به عنوان عامل اصلی کاهش کارایی و از دست رفتن نیروی انسانی یاد می‌شود که پیامدهای منفی بر ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی بر جای می‌گذارد (Asgari Ebrahimabad, Soltani, & Salayani, 2021: 1). می‌توان عنوان کرد که فرسودگی شغلی معلمان مانعی در برابر فعالیت‌های پژوهشی و پژوهندگی آنان به شمار می‌رود. شاید بتوان اذعان داشت که یکی از عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی معلمان موضوع عدم تصویب و اجرای رتبه‌بندی فرهنگیان است که با وجود پیگیری‌های فراوان این قشر هنوز به مرحله اجرا وارد نشده است و پیگیری‌های مستمر فرهنگیان تا به حال بی نتیجه مانده است.

فقدان جایگاه مناسب پژوهش در بین والدین از جمله دیگر عوامل چالش‌آفرین پژوهندگی معلمان در آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی است. به طوری که والدین دانش‌آموزان نسبت به کارکردها و ارزشمندی پژوهش در آموزش و پرورش چندان اطلاعی نداشته و بر اساس همین عدم اطلاع کافی نسبت به این موضوع علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. شاید بتوان عنوان کرد که والدین مدرسه رفتن و تحصیل دانش‌آموزان خود را تنها درس خواندن به شیوه سنتی، یعنی به دست گرفتن کتاب می‌دانند و از این رو، پژوهش دانش‌آموزان را کاری عبث دانسته که می‌تواند زمینه‌های عدم موفقیت فرزندان را در کنکور سراسری به دنبال داشته باشد. یا اینکه انجام آزمایش و یا سایر موارد پژوهش می‌تواند با ممانعت والدین و اعتراض آنان همراه گردد.

آخرین مقوله بعد نگرش و انگیزش که از نظر اطلاع‌رسان‌های پژوهش در زمره موانع و چالش‌های پژوهندگی معلمان به شمار می‌رود، «اولویت مباحث و رویکرد کنکوری در برنامه‌های درسی مدارس و نظام آموزشی» است. می‌توان بیان کرد که متأسفانه مسئله کنکور نه تنها پژوهندگی معلمان را تحت تأثیر قرار داده است، بلکه تمام اهداف و فرایندهای برنامه درسی نظام آموزش و پرورش کشور را با چالش‌هایی همراه ساخته است و زمینه‌های فقدان دستیابی مطلوب به اهداف دوره‌های آموزشی را به وجود آورده است. به عبارتی عوارض کنکور سراسری به حدی است که آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن وارد کرده و اهداف و برنامه‌های نظام آموزشی عمومی و رسمی را تحت الشعاع قرار داده است (Sobhani & Shahidi, 2007). به اعتقاد کارشناسان شیوه «یک تست، یک برآورد، یک سرنوشت» حجم قابل توجهی از ظرفیت‌های روانی، اقتصادی و آموزشی کشور را به شکل ناکارآمد اشغال کرده است (Mardiha, 2004, as cited in Fathabadi, Shalani, & Sadeghi, 2018)، و این مسئله امکان استفاده مناسب از ظرفیت‌های موجود را از بین می‌برد.

بعد سوم از چالش و موانع پژوهندگی در بین معلمان به موضوع رفتار و عمل اشاره دارد. مقوله‌های اصلی این بعد شامل مواردی چون چالش‌ها و محدودیت‌های زمانی در اجرای پژوهش، وجود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیر، فقدان مسئولان پژوهشی متبحر، ناهماهنگی

سطوح برنامه‌ریزی و فرایند اجرایی پژوهش (شکاف و فاصله نظر و عمل)، ضعف تبلیغات و اطلاع‌رسانی در حوزه برنامه‌های پژوهش‌محور، فقدان استقبال عوامل اجرایی مدارس از حوزه پژوهشگری، کم‌توجهی به تخصص افراد و سیطره فعالیت‌های سیاسی در انتصاب مسئولان پژوهش، فقدان به‌کارگیری معلمان دارای تخصص و هزینه‌های سنگین و بار مالی انجام پژوهش می‌شود.

یکی از مسائلی که اطلاع‌رسان‌های پژوهش بدان اشاره کرده‌اند، موضوع محدودیت‌های زمانی در اجرای پژوهش است. در شرایطی که معلمان موظف به تمام کردن برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی هستند، فرصتی برای فعالیت‌های پژوهشی برای آنان باقی نمی‌ماند. دومین مقوله اصلی در حوزه رفتار و عمل در زمینه موانع و چالش‌های پژوهندگی معلمان «وجود دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیری» است. معلمان شرکت‌کننده در پژوهش بر این باورند که متأسفانه دستورالعمل‌های سخت‌گیرانه و دست‌وپاگیری در آموزش و پرورش وجود دارد که مانع از انجام پژوهش در بین آنان می‌گردد. به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که بوروکراسی آموزشی می‌تواند زمینه‌های فقدان اثربخشی و البته تلاش‌های عملی معلمان را به وجود آورد. کما اینکه یافته‌های پژوهش Mohammadi and Khalegh Panah (2016) نشان می‌دهد که بوروکراسی آموزشی در ایران در تقابل با تجربه آموزشی معلمان قرار دارد. به‌عبارتی بوروکراسی آموزشی از طریق مؤلفه‌های معیارهای قبولی دانش‌آموزان، بی‌انضباطی، هنجارشکنی و بوروکراسی نانوخته شرایطی را پدید آورده است که موجب منفعل نمودن معلمان شده است و این امر موجب کاهش اثربخشی در نظام آموزشی است. این موضوع تنها مختص آموزش و پرورش نیست و در آموزش عالی نیز شرایط مشابه وجود دارد. به‌طور مثال یافته‌های پژوهش Ahanchian (2013) بر این موضوع دلالت دارد که بوروکراسی تحمیلی تأثیر منفی بر عملکرد هیئت علمی و رشد دانشگاه دارد.

سومین مقوله اصلی در ارتباط با موانع و چالش‌های پژوهندگی در بعد رفتار و عمل بر «فقدان مسئولان پژوهشی متبحر» دلالت دارد. معلمان شرکت‌کننده در پژوهش بر این باورند که مسئولان پژوهشی متبحر در استان آذربایجان شرقی به‌ندرت وجود دارد و از این کمبود افراد متبحر دارای مسئولیت در زمره موانع و چالش‌های پژوهندگی یاد می‌کنند. ناظر بر یافته‌های پژوهش Saki (2013) که نیاز معلمان به سواد پژوهشی را امری ضروری تلقی می‌کند و عنوان می‌کند که همه معلمان ابتدایی، راهنمایی و متوسطه نیازمند این سواد در سطوح شش‌گانه سواد پژوهشی، یعنی دانش عمومی درباره پژوهش، دانش عمومی درباره پژوهش در آموزش و پرورش، روش‌های پژوهش معلم‌محور، استفاده از دانش کلاسیک و پژوهش‌های دیگران، تربیت دانش‌آموز پژوهنده و مهارت‌های پایه‌ای پژوهش هستند و با توجه به اینکه مسئولان پژوهشی استان نیز خود به‌نوعی معلم بوده و یا سابقه تدریس در مدارس را داشته و بعد از آن مسئولیت پژوهشی دریافت می‌کنند، می‌توان ادعان داشت

که این مقوله قابل درک است. پس می‌توان بیان کرد که سواد پژوهشی نه تنها برای معلمان بلکه برای مسئولان پژوهشی نیز یک نیاز ضروری است.

یکی دیگر از مقوله‌های برآمده از مصاحبه با معلمان شرکت‌کننده در پژوهش موضوع «ناهماهنگی سطوح برنامه‌ریزی و فرایند اجرایی پژوهش (شکاف و فاصله نظر و عمل)» است. برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش معتقدند که متأسفانه هماهنگی لازم و تطابق کافی بین سطوح برنامه‌ریزی و فرایند اجرایی پژوهش در سطح کلان و سطح مدارس وجود ندارد. همین موضوع سبب شده است انتظارات از معلمان به‌عنوان پژوهشگر افزایش یابد؛ در صورتی که امکانات کافی و شرایط مناسب این موضوع در استان وجود ندارد. در ارتباط با این مقوله اصلی می‌توان عنوان کرد که به‌نوعی برنامه درسی قصدشده و کسب‌شده در برنامه‌های درسی مدارس استان متفاوت است. موضوع فاصله نظر و عمل در زمینه پژوهندگی معلمان را می‌توان ناظر بر برنامه‌های درسی دوره‌های تحصیلی نیز در نظر گرفت. به‌طوری که برنامه‌ریزان درسی بر این باورند که غفلت از نیازسنجی و پژوهش، مناسب نبودن اهداف با نیازهای سنی، عقلانی، جسمانی، اجتماعی و عاطفی مخاطبان و نداشتن درک دقیق از شرایط دوره نوجوانی، همچنین عدم توجه به نیازهای محلی، اجتماعی و ملی از جمله عوامل اثرگذار بر برنامه درسی قصدشده است. از سوی دیگر غفلت از اشاعه برنامه درسی در میان ذینفعان، عدم آشنایی معلمان با ابعاد نظری و عملی برنامه درسی و راهکارهای اجرایی برنامه در دستیابی به اهداف، همچنین اجرای برنامه متفاوت از خواست برنامه‌ریزان درسی از جمله متغیرهای اثرگذار بر برنامه درسی اجراشده است (Jamalifar, Hashemi Moghadam, Abedi Karajibani, & Faghihi, 2019: 138).

ضعف تبلیغات و اطلاع‌رسانی در حوزه برنامه‌های پژوهش‌محور مقوله دیگر حاصل از مصاحبه با اطلاع‌رسان‌های پژوهش است. معلمان معتقد هستند که در برنامه‌های پژوهش‌محور اطلاع‌رسانی مناسبی از طریق ادارات آموزش و پرورش صورت نمی‌گیرد. به‌طوری که آنان نمی‌توانند به‌شکل مناسبی در برنامه‌ها و جشنواره‌های پژوهش‌محور فعالیت کنند. این یافته با یافته‌های پژوهش Namdari Pezhman et al. (2014) هم‌خوان است. چرا که یافته‌های پژوهش آنان نیز مؤید این موضوع است که ضعف اطلاع‌رسانی از جمله موانع حوزه پژوهندگی و برنامه معلم پژوهنده است. سیطره فعالیت‌های سیاسی بر انتصاب مسئولان پژوهشی موجب شده است که بعد رفتار و عمل پژوهندگی در بین معلمان با چالش‌هایی روبه‌رو گردد. زمانی که فعالیت‌های سیاسی بر انتصابات سایه می‌افکند، متأسفانه تخصص‌های افراد در انتصاب‌ها به‌ویژه در مناصب کلیدی نادیده انگاشته می‌شود. به‌عبارت دیگر با وجود اینکه مطالعات نشان می‌دهند تلاش و استعدادهای فردی عاملی اثرگذار در موفقیت افراد به‌شمار می‌رود، اما متأسفانه معیارهای انتصاب مدیران در سال‌های گذشته تغییراتی نداشته است و معیارهای مصوب در دو دهه گذشته در عمل، بسیار اندک اجرایی شده و

این موضوع باعث نارضایتی معلمان و تا حدودی ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش کشور شده و در نتیجه گریبان مردم و دولت را گرفته است (Piryaei & Niknami, 2018: 10).

معلمان شرکت‌کننده در پژوهش بر این باورند که معلمانی که دروس تفکر و پژوهش را تدریس می‌کنند از تخصص کافی برخوردار نیستند و این موضوع به‌مثابه یکی از موانع و چالش‌های موجود در مسیر پژوهندگی به‌شمار می‌رود. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند بی‌ارتباط با کمبود معلم در آموزش و پرورش نباشد. به‌طوری‌که آموزش و پرورش با توجه به اینکه با چالش بازنشستگی روبه‌رو است، طی سالیان گذشته سعی کرده است با استفاده از روش‌های مختلفی چون انتقال بخشی از نیروهای شاغل به کار در دوره‌های دیگر به دوره ابتدایی به شیوه‌هایی چون استفاده از معلمان مازاد، استخدام کردن معلمان حق‌التدریسی سایر دوره‌ها در دوره ابتدایی، استخدام معلمان حق‌التدریس و نهضت و حتی کارکنان اداری مدارس و ادارات بدون رعایت تناسب رشته و یا حتی به‌کارگیری معلمان غیررسمی در قالب طرح حمایتی به‌نوعی کمبود معلم را پوشش دهد (Kabiri, 2019). همین امر سبب شده است که معلمان با تخصص کمتر به تدریس دروس مختلف بپردازند. آخرین مقوله اصلی در بعد رفتار و عمل که در نظر معلمان در زمره موانع و چالش‌های پژوهندگی معلمان استان آذربایجان شرقی قرار گرفته است، موضوع گرانبازی هزینه‌های مالی انجام پژوهش است. این موضوع در خصوص صرف هزینه از سوی معلمان مورد اشاره قرار گرفته است و این در شرایطی است که متأسفانه حمایت مالی در حوزه پژوهندگی از معلمان صورت نمی‌گیرد که می‌تواند تمایل به انجام پژوهش را کاهش دهد.

ناظر بر آنچه گذشت مبتنی بر یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد موضوعاتی مانند طرح رتبه‌بندی معلمان که می‌تواند جنبه‌هایی از ارتقا حقوق و مزایا را دستخوش تغییر کرده و موجبات انگیزش در بین معلمان را فراهم آورده و در عمل نیز راهکارهای عملی برای ارتقا و رتبه‌بندی معلمان در پی داشته باشد، هر چه سریع‌تر تصویب و به مرحله اجرا درآید تا بتوان در حوزه پژوهندگی به موفقیت نائل شد. همچنین پیشنهاد می‌گردد به‌منظور افزایش روحیه و فرایند عملی و اجرایی پژوهندگی معلمان مواردی چون تدارک و برنامه‌ریزی دوره‌های آموزش ضمن خدمت، پودمان‌های تخصصی دانشجو معلمان در راستای دانش‌افزایی معلمان در حوزه پژوهندگی، حمایت از تألیف و تدوین کتاب‌های آموزشی در زمینه پژوهندگی، پیش‌بینی ساعات آموزشی به‌منظور تخصصی شدن فعالیت‌های پژوهشی در بین معلمان و دانش‌آموزان، حمایت از برنامه‌ها و جشنواره‌های پژوهشی و تحقیقاتی در دوره متوسطه و اطلاع‌رسانی مطلوب برنامه‌های تدوین شده، جذب حمایت مالی خیرین به‌منظور تجهیز مدارس به وسایل کمک‌آموزشی الکترونیکی در خصوص بهره‌برداری معلمان و دانش‌آموزان در حوزه پژوهندگی و حمایت از برنامه‌های پژوهشی مدارس و معلمان با کاهش مراحل اداری و تصویب دستورالعمل‌های متناظر با نیازهای پژوهشگران مورد اهتمام مسئولان قرار گیرد. از

سوی دیگر با توجه به اینکه پژوهش حاضر در خصوص واکاوی دیدگاه معلمان نسبت به موانع و چالش‌های حوزه پژوهندگی با رویکرد کیفی صورت گرفته است، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در پژوهش‌های آتی نسبت به انجام پژوهش در ارتباط با شناسایی موانع و چالش‌های پژوهندگی در بین والدین و متخصصان برنامه درسی و علوم تربیتی و با بهره‌مندی از پرسش‌نامه و تحلیل‌های آماری به‌منظور تعیین میزان تأثیر سهم عوامل مختلف موانع و چالش‌های پژوهندگی اقدام کنند.

در پایان می‌توان اذعان داشت با توجه به اینکه فرایند جمع‌آوری داده‌ها در شرایط شیوع بیماری کووید-۱۹ صورت گرفت، مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده مجبور به استفاده از ماسک بودند، این موضوع تا حدودی از درک حالت چهره مصاحبه‌شونده توسط فرد مصاحبه‌کننده کاست و از انتقال احساسات درونی که در چهره افراد بروز و ظهور می‌یابد و می‌تواند سؤالات بعدی را در فرایند مصاحبه شکل دهد، به مقدار کمی جلوگیری کرده است. از سوی دیگر با توجه به اینکه بهره‌مندی از ابزار مصاحبه با محدودیت‌هایی روبه‌روست و پژوهشگر نمی‌تواند با تمام معلمان فرایند مصاحبه را صورت دهد، لذا بهتر است پژوهشگران در آینده به‌منظور بررسی موضوع از ابزار پرسش‌نامه و یا روش‌های آمیخته و ترکیبی بهره ببرند تا بتوانند نظرات تعداد بیشتری از معلمان را در پژوهش خود مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- Abutalebi, N. (2020). Examining the obstacles and challenges of research and research in the education system and the role of research in the improvement and development of the country's education system. *Journal of Humanities Horizons*, 4(41), 67-84. [Persian]
- Adib, Y., Mohammadipouya, S., Ghaderi, S., & Azhdari, D. (2021). An investigation of the relationship between critical thinking, academic optimism, and educational philosophy among senior secondary school Teachers. *Quarterly Journal of Family and Research*, 18(2), 23-40. [Persian]
- Ahanchian, M, R. (2013). Academic bureaucracy: Issues and challenges. *Journal of Iranian Higher Education*, 5(4), 3-22. [Persian]
- Alborzi, M., Mohammadi, M., Naseri Jahromi, R., Safari, M., & Mirqahfari, F. (2021). Elementary school teachers' experiences of the challenges of changing traditional education to virtual education during the Corona Virus outbreak. *Studies in Learning & Instruction*, 13(1)1-19. [Persian]
- Alizadeh Aghdam, M, B. (2014). *Obstacles to the application of research findings in research conducted in executive organizations*. National Productivity Conference, Tabriz, Iran. [Persian]
- Asgari Ebrahimabad, M, J., Soltani, S., & Salayani, F. (2021). The role of organizational commitment on job burnout through mediation of humor among teachers. *Positive Psychology Research*, 6(4), 1-16. [Persian]

- Askari, M., Elahimanesh, M. H., & Parizad, R. (2019). A comparison study of Iranian and Japanese educational policy at elementary level. *Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy*, 9(30), 113-132. [Persian]
- Chaeichi, P., Gouya, Z., Mortazaei Mehrbani, N., & Saki, R. (2006). Evaluation of the realization of the goals of the teacher researcher program. *Quarterly Journal of Education*, 85(4), 107-133. [Persian]
- Fathabadi, J., Shalani, B., & Sadeghi, S. (2018). The impact of universities entrance exam on Iranian students and families. *Cultural Psychology*, 1(2), 49-71. [Persian]
- Ferasatkah, M. (2018). *Qualitative research method in social sciences with emphasis on grounded theory*. Tehran, Agah Publisher. [Persian]
- Ghaziardakani, R., Maleki, H., Sadeghi, A., & Dortaj, F. (2018). Designing an inquiry-based o curriculum pattern in curriculum elementary social studies to grow thinking and creativity in students. *Innovation and Creativity in Human Sciences*, 7(3), 63-106. [Persian]
- Hoseyni, M., Haddadi, E., & Rakhshani, M. (2018). Understanding the organizational culture in Khorasan Razavi, Northern Khorasan, and Southern Khorasan Blood Centers based on Denison's Model. *The Scientific Journal of Iranian Blood Transfusion Organization*, 15(3), 195-202. [Persian]
- Jamalifar, M., Hashemi Moghadam, S. S., Abedi Karajiban, Z., & Faghihi, A. (2019). Causes of the gap between junior high school intended, implemented, and attained curricula and ways of bridging It. *Quarterly Journal of Education*, 35(1), 129-148. [Persian]
- Kabiri, M. (2019). Comparison of policies of primary school teachers' recruitment and education based on the students' learning. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 17(4), 37-60. [Persian]
- Mohammadi, F., & Khalegh Panah, K. (2016). A qualitative study of the relationship between educational bureaucracy and teachers' educational experience. *Journal of Educational Planning Studies*, 5(9), 95-112. [Persian]
- Mohammadipouya, S., Goodarzi, H., Rahmati-Najarkolaei, F., & Sanaeinasab, H. (2017). Investigating the relationship between curriculum ideology and educational philosophy with the teachers' teaching approaches in a Military Medical University of Tehran. *Journal of Military Medicine*, 19(5), 460-467. [Persian]
- Mohammadipouya, S., Seyede Nazarlu, S., T., Fathi-Azar, E., & Mahmoodi, F. (2022). Analyzing teachers' lived experiences of the conditions governing educational leaders' policies. *Journal of Curriculum Research*, 11(2), 17-42. [Persian]
- Namdari Pezhman, M., Ghanbari, S., & Mahmoodi, H. (2014). Identifying obstacles to the implementation of the research teacher program from the perspective of research teachers and experts: The case study of Hamedan province. *Teaching & Learning Research*, 10(2), 195-216. [Persian]
- Piryaei, H., & Niknami, M. (2018). A model for improving appointment and promotion system of staff and line managers in Education Department. *Journal of Management and Planning in Educational System*, 10(1), 9-28. [Persian]
- Safaei Movahhed, S., & Attaran, M. (2013). Uncovering the hidden curriculum of supervisors' selection in a Faculty of Mathematics: A qualitative study. *Research in Curriculum Planning*, 10(38), 1-12. [Persian]
- Safikhani, Y., Abbasian, H., Arasteh, H., & Abdollahi, B. (2021). Pathology of teacher-research program in Iranian Education. *Educational and Scholastic Studies*, 10(2), 339-366. [Persian]

- Saki, R. (2013). Teachers' knowledge about research and their need for research education. *Training & Learning Researches*, 20(3), 119-132. [Persian]
- Salleh, I. S., Ali, N. S. M., Yusof, K. M., & Jamaluddin, H. (2017). Analyzing qualitative data systematically using thematic analysis for deodorizer troubleshooting in palm oil refining. *Chemical Engineering Transactions*, 56, 1315-1320 DOI: 10.3303/CET1756220.
- Secretariat of the Supreme Council of Education (2017). *Research and evaluation sub-system program of official public education system of the Islamic Republic of Iran*. Tehran. [Persian]
- Sobhani, A., Shahidi, M. (2007). Pathology of the entrance exam and the possibility of removing it in the student admission system. *Research in Curriculum Planning*, 4(13), 161-182. [Persian]
- Supreme Council of the Cultural Revolution of Iran (2013). *Document of the fundamental transformation of education*. [Persian]
- Torkzadeh, J., Karimi, M., Mohammadi, M., & Sheykholeslami, R. (2021). Designing a framework of teacher literacy leadership: A meta-synthesis study. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 20(1), 53-82. [Persian]
- Vaghoor Kashani, M, S., Haji Hossein Nezhad, G., Mousapour, N., & Ebrahimzadeh, I. (2019). How to promote professional competencies of teachers and determine their effectiveness. *Research in Curriculum Planning*, 2(33), 55-76. [Persian]
- Vahedi Kojanagh, H., Karimi, N., Rezaei, R., & Esmail Pour, A. (2018). A comparison of the professional qualifications among teachers graduated from Farhangian University, former Teacher Education Centers and other universities. *Technology of Education Journal*, 12(4), 347-356. [Persian]

English Abstract

**An Analysis of the Main Challenges and Obstacles Hindering
Teachers' Research in East Azarbaijan Province: A
Phenomenological Study**

Seyed Hadi Madani*, Sohrab Mohammadipouya, Seyed Taher Seyedi Nazarloo***,
Ahad Azimi Aghbolaq******

The current research aimed at studying the major challenges and obstacles hindering research among the teachers of East Azarbaijan province, Iran. This study adopted a qualitative approach and applied the phenomenological method of analysis. Purposeful criterion sampling was used, and 20 teachers were selected as the study participants. Semi-structured interviews were used to collect the data, and thematic analysis was used to analyze the data. To assess the reliability of the findings, the four criteria of credibility, dependability, confirmability, and transferability were used. The findings led to the formation of 25 subcategories subsumed under the three main categories of thinking and knowledge (five subcategories), attitude and motivation (11 subcategories), and behavior and action (9 subcategories). Based on the findings, it can be stated that the above barriers hinder the successful implementation of “The Research-Centered Teacher Program” in education. Thus, to achieve the goals set for the aforementioned program, the above-mentioned challenges must be addressed.

Keywords: challenges, education, obstacles, research, teachers

* PhD student in Philosophy of Education, Faculty of Humanities, Shahed University of Tehran, Tehran, Iran (madani.duman@gmail.com)

** PhD student in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author). (mohammadipouya1393@yahoo.com)

*** PhD Student in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran (tseyedi.63@gmail.com)

**** PhD Student in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran (ahadazimi63@gmail.com)